

مقاله پژوهشی: پیشران‌های تأثیرگذار بر نظم جهانی پیش‌رو

قدیر نظامی‌پور^۱ رحمان نجفی سیار^۲ مهدی آسایش جاوید^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

چکیده

شکل‌گیری و تحولات نظام بین‌الملل در عصر مدرن، از الگوها، ساختارها و عوامل متعددی تأثیر پذیرفته است. در این راستا، تداوم و تغییر همواره از خصوصیات بارز نظام بین‌الملل در این دوران بوده و عوامل متعددی مانند رشد علم و فناوری و تغییر ماهیت و جغرافیای قدرت، بر جهت و سرعت این تحولات اثرگذار بوده است. از میان رفتن نظام دوقطبی و رشد سریع فناوری و توسعه شبکه‌های ارتباطی و تکثیر قدرت نیز ماهیت تعاملات جهانی را تحت تأثیر قرار داده و اغلب صاحب‌نظران و سیاستمداران را به این باور رسانده که نظم فعلی بین‌الملل در حال تغییر و تبدیل به نظم جدیدی می‌باشد. از این رو هدف این مقاله پاسخ به این سوال است که چه پیشران‌هایی بر شکل‌گیری نظم پیش‌روی جهانی تأثیرگذار خواهند بود؟ در این راستا مقاله حاضر در چارچوب روش تحقیق کیفی تدوین و از روش تحقیق تحلیل مضمون استفاده شده و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (کتاب و منابع اینترنتی) و انجام مصاحبه نیمه ساختارمند با ۱۰ تن از صاحب‌نظران جمع‌آوری و از طریق نرم افزار MAXQDA مورد تحلیل قرار گرفته است. در نتیجه، ۸ پیشران مؤثر شناسایی گردید که عبارتند از: پویایی و توزیع جهانی قدرت، قدرت‌های نوظهور، اهمیت یافتن مناطق، رقابت چین و آمریکا، افول هژمونی آمریکا، فناوری‌های جدید، بازیگران غیردولتی و چالش‌های جهانی.

کلیدواژه‌ها: روابط بین‌الملل، نظم بین‌الملل، پیشران‌های نظم جهانی، قدرت‌های نوظهور، هژمونی

^۱ دانشیار مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲ دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه عالی دفاع ملی

^۳ دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانا، نویسنده مسئول نشانی ایمیل: mahdiasayesh1401@chmail.ir

مقدمه

فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و ظهور تروریسم بین‌الملل و معضلات جهانی مانند بیماری‌های فراگیر، مهاجرت و در عین حال انقلاب فناوری در حوزه ارتباطات در این مقطع، نظام بین‌الملل را با چالش و بحران‌های جدی مواجه نمود و آمریکا برای ایجاد نظم نوین تک قطبی و هژمونیک و ایفای نقش پلیس جهانی به راه‌اندازی دو جنگ عراق و افغانستان مبادرت کرد. نظم مورد نظر آمریکا در جهان و به خصوص در خاورمیانه در طول ۲۰ سال گذشته از طریق مداخله مستقیم تا کنترل از راه دور برقرار شد. موضوع برقراری نظم در جهان، همواره مورد علاقه آمریکا و قدرت‌های جهانی بوده و به تبع آن، رقابت برسر نظم جهانی یا نظم‌های جهانی آینده موجب رقابت جهانی برای ساخت قدرت شده است. بنابراین سرآغاز حاکم شدن نظم‌های جدید در این عرصه را رویدادهای بزرگ، مثل جنگ یا فروپاشی یک ابرقدرت تداعی می‌کند و مناسبات آینده جهانی نیز در خلال روندهای جهانی آینده نمایان می‌شود. در دنیای پر شتاب و به هم پیوسته امروزی، عوامل پویای مختلف نقش بسزایی در شکل دادن به نظم جهانی دارند. درک عوامل مؤثر بر نظم جهانی برای سیاستگذاران، کسب و کارها و افراد به طور یکسان ضروری است. از تغییرات سیاسی و روندهای اقتصادی گرفته تا پیشرفت‌های فناورانه و جنبش‌های اجتماعی، محرک‌ها قدرت تغییر شکل اتحادها، صنایع و جوامع را دارند.

تحولات فناورانه و توسعه آن در سطوح مختلف جهانی، منجر به ظهور قدرت‌های جدید مانند چین، هند، روسیه و... گردید که قدرت مسلط جهان، یعنی آمریکا را در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن ۲۱ به چالش کشید. به تعبیر جوزف نای، دموکراتیزه شدن فناوری نیز عملاً منجر به اهمیت یافتن قدرت نرم و اقاء کنندگی کشورها و افزایش سطح تأثیرگذاری نهادها و سازمان‌های فراملی و بازیگران غیر دولتی و کاهش تأثیر قدرت نظامی در تحولات دهه‌های آغازین این قرن گردید. در حال حاضر با نزدیک شدن رقابت آمریکا و چین و تغییرات رخ داده در رویکردهای منطقه‌ای و بین‌المللی این کشورها، عملاً رویای ایجاد نظم هژمونیک برای آمریکا به چالش کشیده شده و تحولات تمدنی، اقتصادی، علمی و فناورانه، اکثر اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل و استراتژیست‌ها را در خصوص چگونگی و ماهیت نظم آتی جهان در مناظرات پارادایمی قرار داده است. اغلب نظریات اخیر مطرح‌شده تأکید دارند که نظم جهانی از شکل تک‌قطبی خارج شده و با ظهور بازیگران جدیدی چون چین، هند، روسیه، اتحادیه اروپا و... شاهد رویش آرایش جدیدی از بازیگران عرصه بین‌الملل خواهیم بود. لذا آنچه در حال وقوع است شباهت زیادی به

انقلاب پارادایمی دارد که واحدها و بازیگران سیاسی در گذار از دوره قرون وسطی به عصر مدرن تجربه کردند. فناوری اطلاعات، انقلابی در شکل و محتوای سیاست ایجاد می‌کند که فهم آن مستلزم گذار تحلیل از منطق مکانیکی به منطق کوانتومی است. منطق مکانیکی برای تحلیل پدیده‌های معمول و قابل مشاهده استفاده می‌شود، در حالی که منطق کوانتومی برای بررسی پدیده‌های غیرمعمول و پارادوکس‌سال که نظم‌های پایین سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به کار گرفته می‌شود. لذا موضوع نظم جهان پیش‌رو به جهت تأثیر عمیق بر نقش و جایگاه کشورها به عنوان یکی از مباحث مهم و جدی حال حاضر در محافل علمی و سیاسی دنیا در سال‌های اخیر مورد توجه و کنکاش قرار دارد. فهم و درک صحیح از تحول پارادایمی حاکم بر جهان آینده، مسأله‌ای است که می‌تواند مسیر و جایگاه کشورها در جهان آینده را ترسیم نماید. لذا هدف اصلی این مقاله پاسخ به این پرسش‌ها است که چه پیش‌رانش‌هایی بر شکل‌گیری نظم پیش‌روی جهانی تأثیرگذار خواهند بود؟ و هریک از پیش‌رانش‌ها به چه میزان بر نظم پیش‌روی جهانی تأثیرگذار خواهند بود؟

پیشینه‌شناسی

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در منابع داخلی و خارجی، اهم تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق به قرار زیر حاصل گردید.

عنوان مقاله	مقاله «عناصر و روندهای موثر بر نظام بین الملل»
محقق و نشریه	اقایان رضا سیمبر و ارسلان قربانی شیخ نشین، مجله پژوهش سیاست نظری زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰ شماره ۹
نتایج مقاله	ساختارهای کنونی جهانی ممکن است توسط یک یا ترکیبی از لیبرالیسم، نظام تک قطبی، برخورد تمدن‌ها، جهاد علیه استعمار غرب و سیستم آنارشیزم وار این پارادایم‌ها شکل بگیرند. بر اهمیت توانایی‌ها، ایده‌ها و نهادهای مادی در درک سیاست جهانی تأکید می‌کند.
عنوان مقاله	مقاله «پیش‌رانش‌های ساخت قدرت در تحول پارادایمی نظم جهانی آینده»
محقق و نشریه	خانم اعظم خاکی و آقای دکتر عبدالعلی قوام- نخستین کنفرانس ملی تحقیقات کاربردی علوم انسانی و روانشناسی در سال ۱۳۹۷
نتایج مقاله	شکل‌گیری قدرت در جهان آینده مرهون ایفای نقش بازیگران جهانی؛ ساختارهای جهان بین‌الملل بر اساس پیش‌رانش‌ها؛ مولفه‌های اصلی قدرت، انرژی، منابع طبیعی، آب و هوا، جمعیت، رشد اقتصادی، فناوری آموزش و پرورش نوین، بهداشت، صنایع نظامی، انرژی هسته‌ای و توان بالقوه وقوع درگیری‌های آینده خواهد بود.
عنوان مقاله	سناریونگاری نظم آینده بین‌الملل در سال‌های منتهی به ۲۰۳۰ میلادی
محقق و نشریه	علی اصغر نعیمی، امیر هوشنگ میرکوش، علی محمدزاده، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۸ صفحات: ۲۴۱-۲۶۲
نتایج مقاله	نظام حاکم از شکل و صورت کنونی (تک قطبی) به سوی یک نظام تک - چند قطبی با محوریت آمریکا و چند کانون تأثیرگذار از جمله چین، روسیه و اتحادیه اروپا تغییر خواهد کرد.
عنوان مقاله	تبیین تأثیر و نقش بریکس برنظم جدید جهانی
محقق و نشریه	عنایت اله یزدانی و سعیده مرادی فر (۱۳۹۶). مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۷(۲۳)، ۶۰-۴۳

نتایج مقاله	بریکس موجب ظهور الگوی جدیدی در نظم لیبرال می‌گردد و عملکرد آن در عرصه بین‌المللی، موازنه نمی‌است که بریکس و غرب تحت رهبری آمریکا را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند.
عنوان مقاله	سناریوهای آینده نظام بین‌الملل و جایگاه جهان اسلام
محقق و نشریه	جهان‌بین، فرزاد، و پرتو، فتح‌اله. (۱۳۹۴). پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴(۱۳) (پیاپی ۱۴۷-۱۶۸).
نتایج مقاله	نظم فعلی بین‌الملل وضعیت در حال‌گذاری است که در بین دو سناریوی تک - چندقطبی و چندقطبی، میل به چندقطبی دارد. قدرت‌های نوظهور چین، اتحادیه اروپا، روسیه، هند، ژاپن و جهان اسلام عمده‌ترین قطب‌های آینده جهان به شمار می‌روند که در کنار آمریکا به ایفای نقش جهانی خواهند پرداخت.
عنوان مقاله	Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order
محقق و نشریه	John J. Mearsheimer ; "International Security" (2019) 43 (4): 7-50.
نتایج مقاله	این مقاله نهادهای بین‌المللی اقتصادی را پایه قدرت نظم پیش‌رو دانسته و به آمریکا توصیه می‌کند برای حفظ موقعیت خود و کنترل چین، نفوذ حداکثری در این نهادها داشته باشد.
عنوان مقاله	The Future of the Liberal World Order: Internationalism After America
محقق و نشریه	G. John Ikenberry. Foreign Affairs. Vol. ۹۰, No. ۳(MAY/JUNE ۲۰۱۱), pp. ۵۶-۶۲, ۶۳-۶۸
نتایج مقاله	نویسنده معتقد است در صورتی که آمریکا نتواند نقش خود را در حفظ و تقویت نظم جهانی لیبرالیسم ادامه دهد، دیگر کشورها می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. از جمله راهکارهایی که نویسنده پیشنهاد می‌دهد، تقویت همکاری‌های بین‌المللی، توسعه فضای دیپلماتیک، و توسعه توافق‌های چندجانبه است.
عنوان مقاله	نطفه‌بندی نظم جدید جهانی و سناریوهای هندسه‌ی آینده‌ی جهان
محقق و نشریه	محمد شمس‌الدینی و محمدرضا عرب بافرانی (۱۴۰۲) / آینده پژوهی / انقلاب / اسلامی. ۴(۱).
نتایج مقاله	بازطراحی راهبرد کلان انقلاب اسلامی متناسب با شرایط روز و خروج از درون‌گرایی ژئواستراتژیک ذیل ایده‌ی «ترشح انقلاب» مبتنی بر «بروز رشحات انقلاب در منطقه و فرامنطقه» پیشنهاد شده است. این مقاله آینده پژوهانه تصویر دقیقی از پیشران‌های نظم آتی به دست نمی‌دهد.

جمع‌بندی پیشینه‌ها

عمده تفاوت پژوهش حاضر با موارد فوق‌الذکر در اتخاذ روش کیفی و استقرایی با به‌کارگیری روش تحلیل مضمون (شبکه مضامین) می‌باشد. علاوه بر این موارد فوق‌الذکر، از زوایای خاص سیاسی و اقتصادی به موضوع نگاه کرده و بعضاً دغدغه حفظ وضع موجود را دارند. لکن این پژوهش سعی نموده با هدف ارائه دیدی گسترده‌تر به مخاطبین به ویژه سیاست‌گذاران، با جامعیت بیشتری به موضوع پرداخته و تأثیر مثبتی در مسیر کلان کشورمان داشته باشد.

مبانی نظری

مفاهیم نظری

پیشران: عوامل تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدام‌ها و تصاویر که ممکن است آینده‌های متمایزی پدید آورند.

نظم: هنری کیسینجر در تعریف خود از نظم بین‌المللی آن را با دو جزء تعریف می‌کند.

اولین جزء مجموعه‌ای از قواعد پذیرفته شده مشترک است و دومی توازن قوا است که با اعمال محدودیت، مانع از غلبه یک واحد سیاسی بر سایر دولت‌ها می‌شود. جان ایکنبری نیز نظم نهادی را نظامی می‌داند که از طریق قواعد مورد توافق، نهادها و اقتدار رسمی- نهادی، اعمال قدرت را محدود می‌کند (He, 2018: 2-3). به بیان دیگر، نظم، نهادینگی قواعد رفتاری، الگوها و ساختارها است که بتواند رفتار بازیگران ذانحت تأثیر قرار دهد (نقدی، ۱۴۰۱: ۳۲).

نظم بین‌الملل: مجموعه‌ای از نهادهای بین‌المللی است که به مدیریت تعاملات میان دولت‌ها کمک می‌کند نهادهای بین‌المللی نیز شامل قوانین و قواعدی هستند که قدرت‌های بزرگ ایجاد و بر سر پیروی آن با یکدیگر به توافق رسیده‌اند (Mearsheimer, 2019). هر چه قدر اجماع قدرت‌های بزرگ بر سر ارزش‌ها، قواعد و رویه‌ها بیشتر باشد، نظم حالت بین‌المللی و جهان‌شمول به خود می‌گیرد (میرحمادی، ۱۴۰۲). اکنون به بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی «نظم جدیدی در حال نطفه‌بندی است» (امام خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۹۳/۶/۱۳).

گذار یا انتقال قدرت: نظریه گذار در سیستم بین‌الملل بر پایه قاعده بنیادین گرایش سیستم‌ها به رویش و سرانجام فروپاشی و همچنین پویایی قدرت شکل گرفته است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۵۸). در روابط بین‌الملل عناصر خرد انگاره‌ای، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و همچنین عناصر کلانی مانند قطب بندی و توزیع قدرت در نظام بین‌الملل نقش مهمی را ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که تا حد زیادی بر سطح و نوع روابط بین دولت‌ها و همچنین الگوهای دوستی و دشمنی تأثیر گذارند (طالبی و آسیابان، ۱۳۹۹: ۲۲۱).

تحول و تکثر قدرت: در شرایط جهانی شدن، ماهیت قدرت متحول شده و نوع و تعداد بازیگران، به گونه‌ای تحول یافته است که علاوه بر قدرت‌های بزرگ بین‌المللی، بازیگران منطقه‌ای نیز به ایفای نقش می‌پردازند. همچنین در کنار دولت‌ها، نهادهای مدنی بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی مردم نهاد، سازمان‌های بین‌الدول بین‌المللی، نهادهای چند جانبه، غیر رسمی، احزاب، رسانه‌ها، قومیت‌ها، سندیکاها شرکت‌های چند ملیتی، افراد و افکار عمومی بین‌المللی نیز نقش آفرین شده‌اند که در مجموع موجب چند ضلعی شدن نظام بین‌الملل شده است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۷). به باور ریچارد هاس، مشخصه کلیدی روابط بین‌الملل در قرن بیست و یکم، گرایش به عدم قطبیت است (Haass, ۲۰۰۸).

رویکردهای نظری

نسل‌های جدید اندیشمندان روابط بین‌الملل تعصب کمتری به مواضع و رویکردهای نظری دارند و کامیابی و ناکامی رویکردهای نظری مختلف در توصیف، تبیین و پیش‌بینی تحولات بین‌المللی را مشاهده کرده و متوجه شده‌اند که پدیده‌های بین‌المللی و جهانی، سیال‌تر، بزرگ‌تر و متکثرتر از آن هستند که تنها در یک چارچوب نظری بگنجند (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۵۹). لذا به طور اختصار دیدگاه چهار نحله نظری اصلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. رویکردهای رئالیستی به نظم بین‌المللی

برای واقع‌گرایان نظم یا نظام بین‌الملل چیزی جز روابط و معادلات بین دولت‌ها نیست. روابط و معادلاتی که قدرت و به خصوص قدرت نظامی دولت‌ها و به صورت مشخص‌تر قدرت‌های بزرگ در آنها نقش و تأثیرگذاری اصلی را دارند. رویکردهای سنتی رئالیستی بر سطوح خرد تحلیل یا دولت‌ها تأکید داشت؛ اما رئالیسم ساختاری با تأکید بر سطح تحلیل سیستمی در عمل، اهمیت و تعیین‌کنندگی قدرت‌های بزرگ در تبیین نظام بین‌الملل را مورد تأکید قرار داد. کنت والتز، با تأکید بر نگاه سیستمی، ساختار نظام بین‌الملل را بر اساس سه مشخصه تعریف می‌کند که شامل اصل سازمان‌دهنده (آنارشی)، تمایز بین واحدها و توزیع قابلیت‌ها یا قدرت بین واحدها است. اما آنچه در این بین بیشترین اهمیت را دارد، این است که توزیع قدرت بین بازیگران نظام‌های بین‌الملل بر اساس تعداد قدرت‌های بزرگ مشخص می‌شود. از این رو ساختار نظام با تغییر در توزیع قدرت در بین واحدها متحول می‌شود (Waltz, 1979:98).

۲) رویکردهای لیبرالی به نظم بین‌المللی

عقلانی بودن انسان، آزادی فرد، برداشت مثبت از سرشت بشر، مؤثر بودن کارگزاری انسانی به‌منظور تغییر، عدم تفکیک میان قلمرو داخلی و بین‌المللی، تعهد به اجتماع جهان‌شمول بشری و نفوذپذیری مرزهای میان دولت‌ها از مهم‌ترین مفروضه‌های لیبرالیسم در عرصه روابط بین‌الملل تلقی می‌شود (مشیرزاده ۱۳۸۸: ۳۵-۱۰). آرمان‌گرایی کلاسیک بر سرشت مثبت و نوع‌دوست بشر و لزوم اصلاح ساختارهای سیاسی برای ایجاد صلح تأکید داشته که به معنی امکان دوری از جنگ و سیاست قدرت به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تحول در نظم بین‌المللی است. البته نهادگرایی نولیبرال که تا حد زیادی مفروضه‌های رئالیستی در خصوص روابط بین‌الملل از جمله آنارشیک بودن نظام بین‌الملل را می‌پذیرد، به‌واقع‌گرایی ساختاری نزدیک شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۹۰). نولیبرال‌ها بر نهادها و رژیم‌های بین‌المللی تأکید دارند و تحت تأثیر سنت گروسیوسی، رژیم‌ها را به‌عنوان متغیرهای مستقلی تلقی می‌کنند که بر نظم و همکاری بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. توضیح نولیبرال‌ها برای احیای نهادهای بین‌المللی در ادامه جنگ سرد این است که نهادها عقلانیت خودشان را دارند و به‌طور مستقل از نظم بین‌الملل حمایت می‌کند (بهادرخانی و محمدی، دارایی ۱۳۹۶: ۱۰۵).

۳) مکتب انگلیسی و نظم بین‌المللی

اندیشمندان این مکتب، با برداشت خردگرایانه از روابط بین‌الملل آن را فراتر از یک نظام

بین‌الملل، جامعه‌ای مرکب از دولت‌ها می‌دانند و قائل به اهمیت اهداف، قواعد، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک آن‌اند. خردگرایی در عین پذیرش ماهیت آنارشیک روابط بین‌الملل (مانند واقع‌گرایان) بر اجتماعی بودن روابط اهداف و وجود اهداف و هنجارهای مشترک و همکاری میان دولت‌ها تأکید دارد؛ (مانند آرمان‌گرایان) و در نهایت دگرگونی در روابط بین‌الملل را ممکن اما دشوار می‌داند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۶۶). به نظر هدلی بول اگر جامعه داخلی، جامعه است؛ نظام بین‌الملل نیز جامعه است. زیرا اهداف اولیه خاص خود را که عبارت‌اند از: حفظ خود جامعه مرکب از دولت‌ها، حفظ حاکمیت اعضا و حفظ صلح، دنبال می‌کند. وایت نیز بر این نکته تأکید دارد که وظیفه بنیادین در همه اعصار، تأمین نظم یا امنیتی است که قانون عدالت و کامیابی می‌تواند پس از آن شکل بگیرد (میر فخرایی، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۶). بنیان دغدغه این مکتب، این فرض است که نظم، پیش شرط بنیادین وجود اجتماع است (قوام و فاطمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۹۲). لذا در مجموع مکتب انگلیسی در تبیین تحولات و تغییر نظم بین‌المللی به صورت هم‌زمان عناصر مادی و هنجاری را مورد توجه قرار می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۸۸).

۴) سازه‌انگاری و نظم بین‌المللی

سازه‌انگاری در میانه بین مرزهای نظریه خردگرایی اثبات‌گرا و پست مدرنیسم تفسیرگرای رادیکال، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود، اما همه اشکال آن در سه گزاره مشترک هستند: ساختارهای هنجاری یا عقیدتی به همان اندازه ساختارهای مادی حائز اهمیت هستند، بنابراین گذشته از ساختارهای مادی، نظام ایده‌ها، اعتقادات و ارزش‌های مشترک دارای خصوصیات ساختاری بوده و برکنش سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند؛ ساختارهای غیر مادی و هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهند؛ کارگزاران و ساختارها به صورت متقابل تأسیس و ایجاد می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۲: ۱۰۸-۱۰۶). وِنت، تغییر در نظام بین‌الملل را با تغییر رویه‌ها، قواعد و هویت‌ها مرتبط می‌داند. از نظر وی، این رویه‌ها هستند که ساختار خاصی از هویت‌ها و منافع را می‌آفرینند و شکل می‌دهند نه ساختار مادی (منصوری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶۶). وِنت توزیع علایق و منافع را مهم‌تر از توزیع قدرت و آنارشی مدنظر واقع‌گرایان می‌داند (دانش‌نیا ۱۳۹۴: ۶۹-۷۰).

جدول شماره ۱: دیدگاه‌های چهار نحله اصلی نظری در روابط بین‌الملل به نظم

نظریه	مؤلفه‌های اصلی نظم بین‌الملل	امکان تحول نظم بین‌المللی و بدیل‌ها
رنالیسم	دولت محوری توزیع قدرت بین دولت‌ها	دیدگاه بدبینانه به تحول اساسی نظم بین‌المللی، امکان تغییر در ساختار با انتقال قدرت بین قدرت‌های بزرگ
لیبرالیسم	دولت محوری نقش محوری نهادها و رژیم‌های بین‌المللی	نگاه خوش‌بینانه به تحول نظم بین‌المللی بر اساس تقویت صلح دموکراتیک، فراملی‌گرایی، تجارت و توسعه نهادگرایی
مکتب انگلیسی	اهمیت اهداف، قواعد، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در قالب جامعه بین‌الملل	وجود دغدغه تغییر در نظم بین‌المللی بدیل‌های نظم بین‌المللی: بقای نظام دولت‌ها بدون وجود عنصر جامعه؛ بقای دولت‌ها بدون وجود نظام؛ حکومت جهانی؛ ظهور قرون وسطاگرایی جدید
سازه-انگاری	اثرگذاری هم‌زمان ساختارهای مادی و معنایی تأکید بر جامعه بین‌المللی	امکان تغییر سیستمی نظم با تغییر رویه‌ها، قواعد و هنجارها سه حالت سرشت نظم: فرهنگ هابزی؛ فرهنگ لاکي؛ فرهنگ کانتی.

منبع: (خسروی و اسدی، ۱۴۰۲، ص ۸۸)

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی بوده و برای گردآوری «پیشران‌های نظم پیش‌روی جهانی»، از روش «تحلیل مضمون»^۱ بهره‌جسته است. این روش یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده است که توسط آن داده‌های کیفی، تقسیم‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند. تحلیل مضمون اصولاً یک راهبرد توصیفی است که یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌نماید. این روش، بر اساس یک رویه مشخص و در سه سطح مضامین پایه^۲ (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، سازمان‌دهنده^۳ (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر^۴ (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام‌مند می‌کند و نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌کند که مضامین با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر در آن شبکه جای‌گذاری شده‌اند (کمالی، ۱۳۹۷). شایان ذکر است که روش تحلیل مضمون، گستره‌ای وسیع از روش‌ها را دربرمی‌گیرد. لذا در این مقاله با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق از روش «شبکه مضامین»^۵ استفاده شده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقش‌های شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش نمایش است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد. (مضامین پایه)؛ سپس دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آنها به اصول مجردتر و

^۱Thematic Analysis

^۲Basic Themes

^۳Organizing Themes

^۴Global Themes

^۵Thematic Network

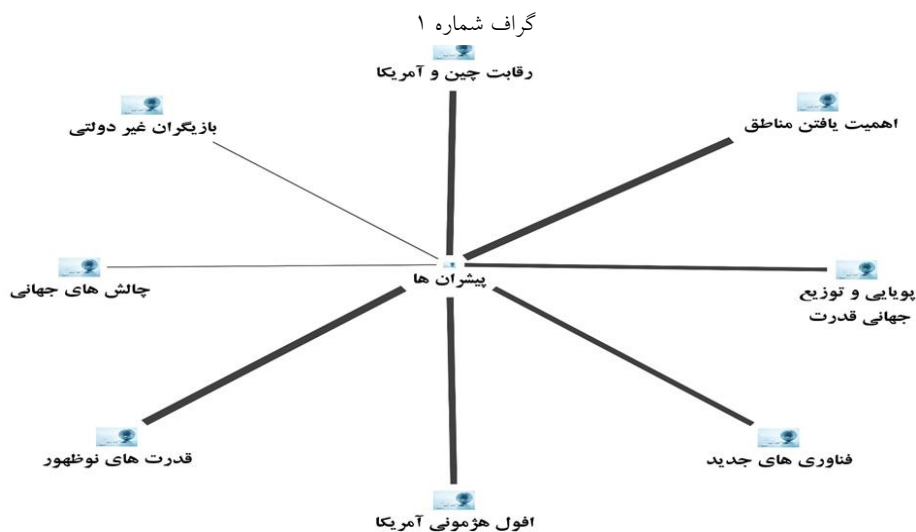
انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند. (مضامین سازمان دهنده)؛ در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آیند (مضامین فراگیر). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. (همان، ۱۳۹۷) نرم افزار MAXQDA به عنوان ابزار این روش مورد بهره برداری قرار گرفته و گراف‌ها و تحلیل‌ها و تفسیرهای صورت گرفته با استفاده از این نرم‌افزار صورت گرفته است. مصاحبه شونده‌گان ۱۰ تن از اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های حوزه روابط بین‌الملل می‌باشند. بر اساس تحلیل صورت گرفته از طریق نرم افزار MAXQDA بر روی داده‌های جمع‌آوری شده از طریق کتب و مقالات فارسی و انگلیسی و مصاحبه نیمه ساختارمند، ۳۸۷ کد (مضامین پایه و سازمان‌دهنده) استخراج شده و ۸ مقوله اساسی (مضامین فراگیر) به عنوان پیشران کلیدی احصاء گردید. در این پژوهش برای رعایت اختصار در گراف‌ها، مضامین پایه و سازمان دهنده در یک سطح در نظر گرفته شده‌اند.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

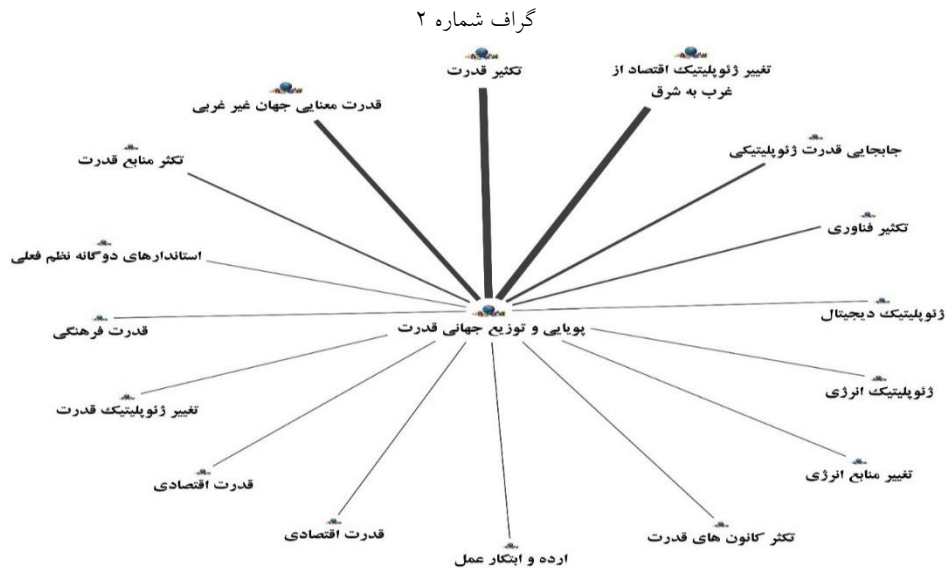
الف: یافته‌های تحقیق

نظم جهانی پیش‌رو، تحت تأثیر عوامل پیچیده زیادی قرار خواهد گرفت. این عوامل و پیشران‌ها به هم مرتبط هستند و می‌توانند نظم بین‌المللی را به طرق مختلف شکل دهند. در حالی که ترکیب خاصی از پیشران‌ها ممکن است در طول زمان تغییر کند. لذا در ادامه ابتدا موارد حاصله در قالب گراف و تفسیرهای مربوطه ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که در گراف‌های استخراجی، میزان ضخامت خطوط رسم شده بین مضامین پایه و فراگیر بر اساس خروجی نرم افزار و نشان‌دهنده میزان فراوانی ارتباط می‌باشد. به بیان دیگر، ضخامت بیشتر به معنی فراوانی بالاتر کدهای استخراجی در این خصوص است.

پیشران‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری نظم پیش‌روی جهانی



۱. پویایی و توزیع جهانی قدرت

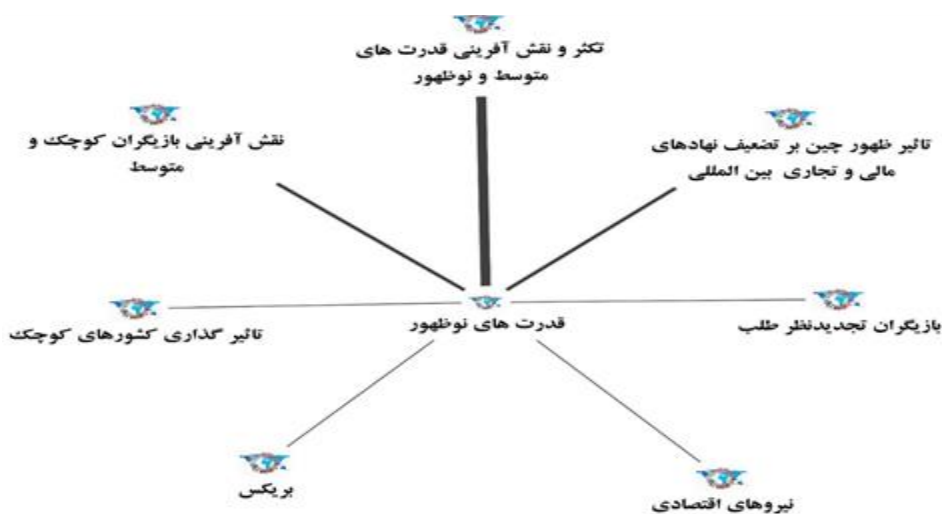


به باور آقای دکتر سجادی‌پور، اساس کنشگری، قدرت است و در عین تداوم قدرت‌ها، شاهد تکثیر و تغییر در ساختار توزیع قدرت هستیم. به عبارتی، ساختار عمودی قدرت در جهان، به سمت افقی شدن در حال تغییر است (سجادی‌پور، ۱۴۰۲/۶/۷). از بین رختن انحصار قدرت

غرب در سیاست بین الملل نه تنها باعث تغییر در رهبری، بلکه تجدید نظر در نهادها و قواعد جهانی می شود و نظم پس از جنگ جهانی دوم متوقف می شود (Bordachev, 2022). مفهوم پویایی و توزیع جهانی قدرت به نحوه توزیع و اعمال قدرت در بین کشورها یا بازیگران در مقیاس جهانی و چگونگی تکامل و تغییر آن در طول زمان اشاره دارد و نشان می دهد که قدرت ایستا نیست، بلکه پدیده ای پویا و سیال است که می تواند جابجا شود. پویایی قدرت به تعاملات، روابط و رقابت بین دولت ها یا بازیگران اشاره دارد که در تلاش برای افزایش قدرت خود و تعقیب منافع خود در صحنه جهانی هستند. توزیع جهانی قدرت به پیکربندی و توازن قدرت در میان کشورها یا گروه های مختلف کشورها اشاره دارد. این توزیع به دلیل عواملی مانند تغییر در قدرت اقتصادی، قابلیت های نظامی، پیشرفت های فناورانه یا تغییر در اتحادها و روابط بین دولت ها در معرض تغییر است.

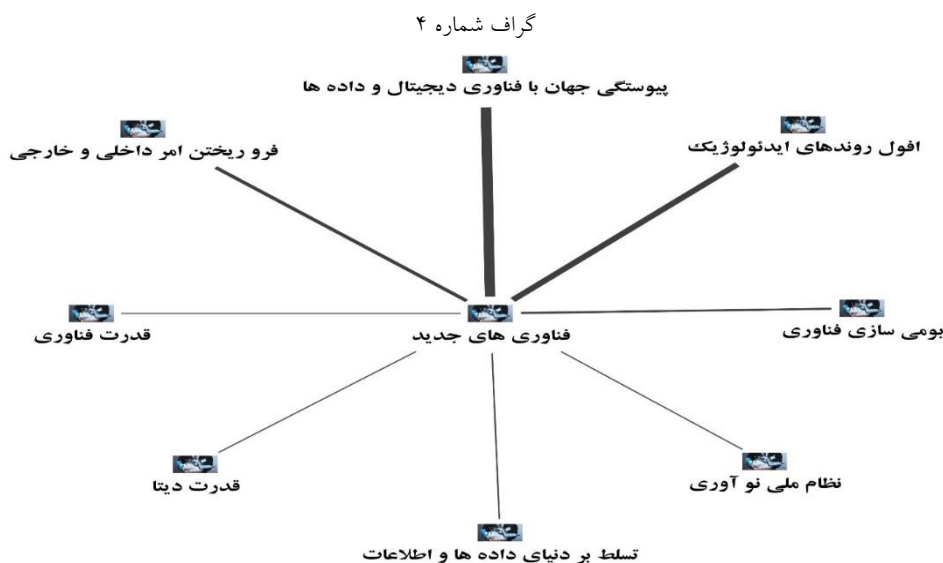
۲. قدرت های نوظهور

گراف شماره ۳



در حالی که تا دهه های گذشته و به خصوص دوره جنگ سرد قدرت های بزرگ، بازیگران اصلی در عمده مناطق و حوزه های تلقی می شدند، اکنون این ذهنیت تا حد زیادی تضعیف شده است و قدرت های منطقه ای و متوسط به نقش آفرینی قابل توجهی در موضوعات مختلف می پردازند. بنا براین یکی از مؤلفه های کلیدی برای نظم آینده نظم بین المللی این است که چه تعداد از این نوع قدرت ها ظهور کرده و نوع نقش آفرینی راهبردی آنها به چه سمت و سویی خواهد رفت (خسروی و اسدی، ۱۴۰۲، ۲۲۹-۲۲۸).

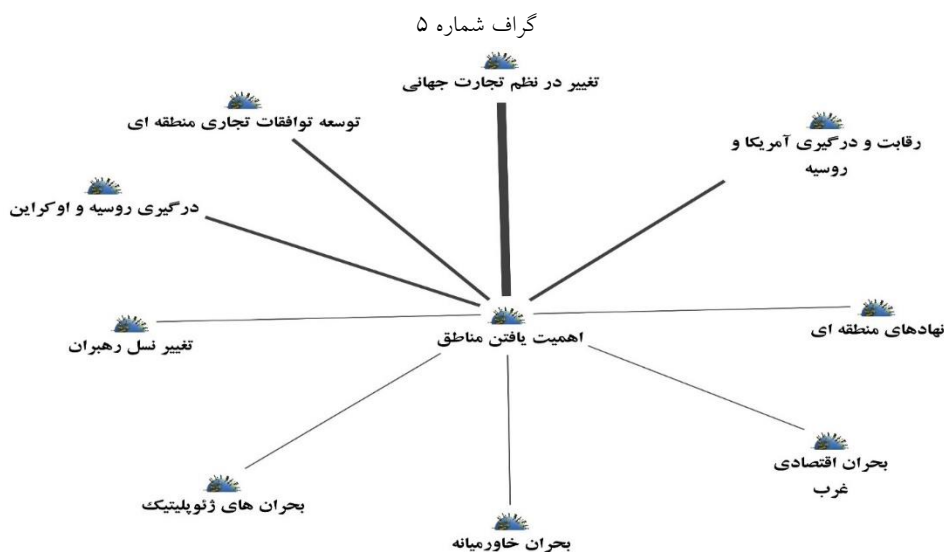
۳. فناوری‌های جدید



یووال نوح هراری، انسان شناس و مورخ، در کتاب ۲۱ درس برای قرن ۲۱، که در ژوئن ۲۰۱۸ به چاپ رسید؛ تأثیر هوش مصنوعی^۱ بر حکومت‌ها را معادل تأثیر انقلاب صنعتی بر جوامع فئودالی می‌داند. ولادیمیر پوتین، هم‌طی بازدید از آکادمی موشکی استراتژیک در نزدیکی مسکو، اظهار کرد که هوش مصنوعی ممکن است راهی باشد که روسیه بتواند قدرت را از آمریکا بگیرد (خراسان، ۱۴۰۰/۷/۱۲). فناوری در حال ملی شدن و تبدیل شدن به تسلیحات است و نقشه جدیدی از قدرت را در دنیای مدرن ایجاد می‌کند که دیگر با جغرافیا، کنترل قلمرو یا اقیانوس‌ها تعریف نمی‌شود، بلکه با کنترل جریان مردم، کالاها، پول و داده‌ها تعریف می‌شود (Kastner, 2021). معضل حکومت‌ها در عصر کنونی اطلاعات، کثرت رویدادهایی است که حتی قدرتمندترین آن‌ها نیز اشرافی بر آن ندارند. به گفته مدیرکل سابق سیاست‌گذاری وزارت امور خارجه آمریکا، اشاعه اطلاعات اینک در همان حد اشاعه تسلیحات سد راه قطبی‌گری است (نای ۱۳۹۲، ۱۵۷). لذا آن‌هایی که قادر باشند نشانه‌های ارزشمند را از نشانه‌های بی‌ارزش تشخیص دهند؛ قدرت پیدا می‌کنند. در این میان نیاز بیشتری به ویرایشگران اطلاعات و کارشناسان تشخیص سرخ‌ها و صافی‌های اطلاعاتی پیدا می‌شود و همین مسئله منبعی از قدرت برای آن‌هایی است که بتوانند به ما بگویند به کدام نقطه از این حجم انبوه اطلاعات توجه کنیم (همان، ۱۶۲).

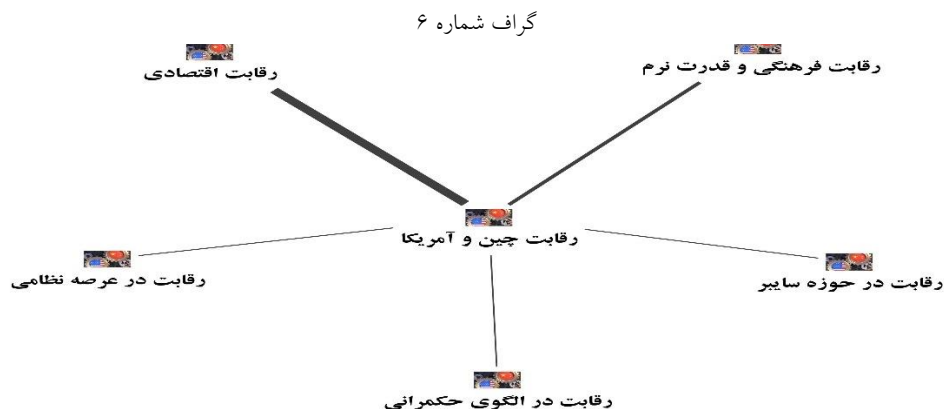
^۱Artificial intelligence (AI)

۴. اهمیت یافتن مناطق



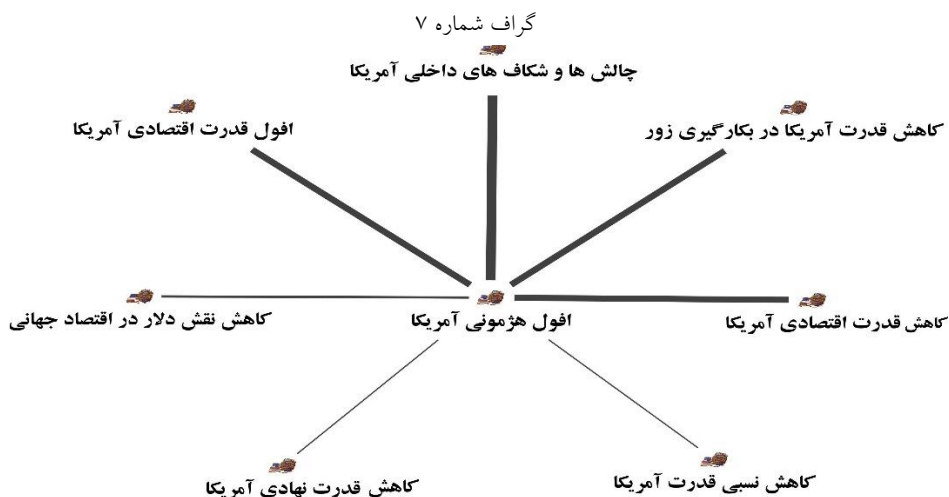
عبور از هویت‌های ملی و شکل‌گیری لایه هویت بین‌المللی در جوامع بشری در حال انجام می‌باشد. این موضوع اثرات خود را بر تجارت بین‌الملل و وفاداری‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌الملل خواهد گذاشت (میر محمدی، ۱۴۰۲/۵/۱۵). بریکس و شانگ‌های ظهور کردند و در اختیار غرب نیستند و عملاً نهادهای غربی را تضعیف می‌کنند (سجادپور، ۱۴۰۲/۶/۷). قدرت‌های منطقه‌ای و منطقه‌گرایی را جدی بگیرید. مناطق مکان‌های حیاتی هم برای درگیری و هم برای همکاری هستند. در بررسی راه‌های توسعه نظم نوین جهانی، نباید بیش از حد بر قدرت‌های بزرگ نوظهور تمرکز کرد و در عین حال از نقش سایر قدرت‌های منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه غافل شد (Acharya, 2017).

۵. رقابت چین و آمریکا



رقابت چین و آمریکا در عرصه فناوری، یکی از مولفه‌های کلیدی شکل دهنده به معادلات و مناسبات قدرت بین این دو بازیگر کلیدی جهانی بوده و به عنوان متغیری اساسی برای شکل دهی به نظم بین‌المللی آتی محسوب می‌شود (خسروی و اسدی، ۱۴۰۲: ۲۴۲). رقابت بین چین و آمریکا به سرعت در حال داغ شدن است. جهان از یک بیماری همه گیر و ویران گر (کرونا) رنج می‌برد، تغییرات آب و هوایی در حال پیشرفت است و تکامل فضای سایبری تهدیدات جدی را ایجاد می‌کند. این چالش‌ها بدین معناست که چسبیدن به وضعیت موجود و تداوم هنجارها و نهادهای بین‌المللی موجود، به طرز خطرناکی ساده لوحانه خواهد بود (کوپچان و لسل، ۱۴۰۲: ۱۴۳). هرچند، رقابت قدرت‌ها به عنوان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری نظم جهانی (پس از رنسانس) تداوم داشته است، لکن تغییر اساسی حال حاضر این است که قبلاً این رقابت‌ها عمدتاً ماهیت غربی داشته و اکنون چین به عنوان قدرت شرقی جایگزین قدرت‌های سنتی شده است.

۶. افول هژمونی آمریکا

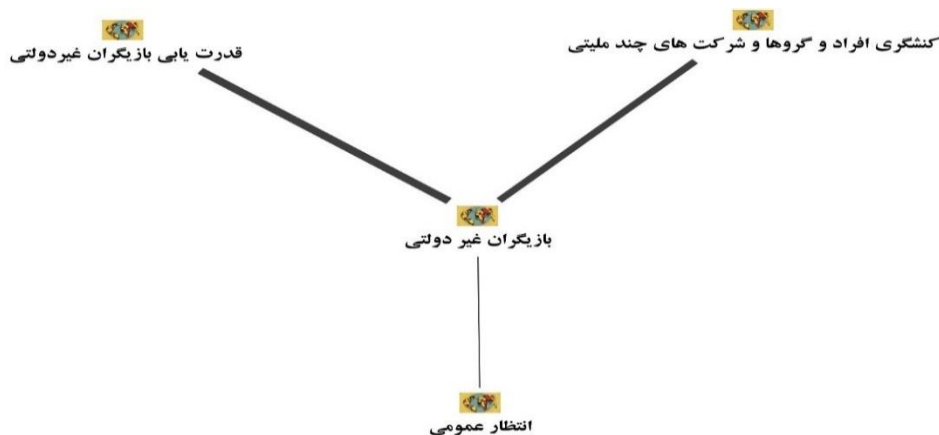


در طول هفت دهه برتری آمریکا پس از ۱۹۴۵، همیشه درجاتی از رهبری و نفوذ وجود داشته است. اکنون، با غلبه کمتر (افول هژمونی) و در دنیای پیچیده تر، استثنائگرایی آمریکایی باید به اشتراک گذاری در تأمین کالاهای عمومی جهانی تمرکز کند (Nye, ۲۰۱۹). لذا نای معتقد است، افول هژمونی آمریکا نمی‌تواند به طور مستقیم به نابودی نظم جهانی منجر شود، اما ممکن است منجر به تحولاتی شود که نظم را دگرگون کند. ریچارد هاس نیز بر این باور است که آمریکا نمی‌تواند همچنان به عنوان قدرت برتر جهان ادعا کند. این کشور در حال افول هژمونی است. نظام بین‌الملل در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد. در حالی که آسیا

به صعود اقتصادی خود ادامه می‌دهد، دو قرن سلطه غرب بر جهان، ابتدا تحت رهبری بریتانیا و سپس آمریکا در حال پایان است. غرب نه تنها سلطه مادی، بلکه نفوذ ایدئولوژیک خود را نیز از دست می‌دهد (Haass & Kupchan, 2021). فوکویاما نیز اذعان دارد که پایان دوران آمریکا خیلی زودتر از موعد رسیده بود. سرچشمه‌های قدیمی ضعف و افول آمریکا بیشتر داخلی است تا بین‌المللی... اینکه [آمریکا] چقدر [در جهان] تأثیرگذار خواهد بود به توانایی آن در حل مشکلات داخلی بستگی دارد تا سیاست خارجی‌اش (Fukuyama, ۲۰۲۱). همانطور که جان ایکنبری چند سال پیش اشاره کرد «بدون هژمونی آمریکا و غرب، انترناسیونالیسم لیبرال وجود ندارد - و این عصر در حال پایان است». با افول ایالات متحده و ظهور موازی چین، کشورها این گزینه را دارند که «به جای اینکه وابسته به بزرگی و حمایت غرب باشند، به دنبال حامیان جایگزین باشند» (BETZ, 2021).

۷. بازیگران غیر دولتی

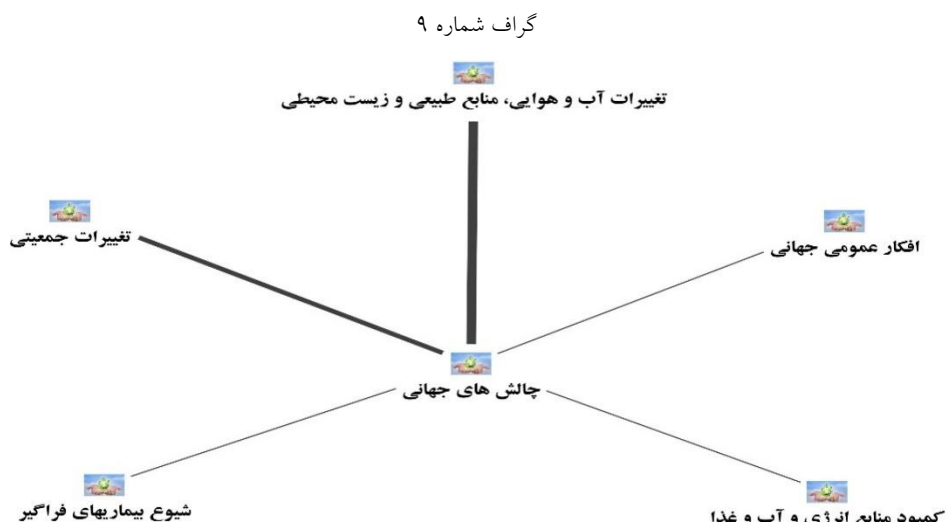
گراف شماره ۸



گسترش بازیگران غیردولتی اخیراً برخی از ناظران روابط بین‌الملل را به این نتیجه رسانده است که اهمیت دولت‌ها در حال کاهش است و بازیگران غیردولتی در حال کسب جایگاه و نفوذ هستند (Wijninga and others, 2014). پیچیدگی فزاینده حکمرانی جهانی به دلیل تکثیر انواع بازیگران جدید و حوزه‌های موضوعی فراملی اجتناب ناپذیر است. برای نهادهای بوروکراتیک دولت محور که در دهه ۱۹۴۰ ایجاد شد، غیرممکن است که با این تغییرات کنار بیایند. این مؤسسات باید از افزایش «متقاضیان» حاکمیت جهانی استقبال کنند و کار با آنها را بیاموزند و از ائتلاف منابع اجتناب کنند (Acharya, 2017). بازیگران غیردولتی، سیاست و نظام بین‌الملل را بسیار پیچیده‌تر از دفعات قبل کرده‌اند. آنها وظایف بسیاری را که تا همین اواخر توسط دولت‌ها و مقامات دولتی انجام می‌شد، به دست آورده

اند و به انجام آنها ادامه می‌دهند (Marchetti, 2019). نقش افراد و شرکت‌های چند ملیتی در شکل دهی سیاست بین الملل آتی نقش تعیین کننده ای خواهد داشت. هرچند همچنان دولت به عنوان مهمترین کنشگر باقی خواهد بود. احتمالاً نظم آتی به صورت هیات مدیره‌ای از دولت‌ها، شرکت‌ها و افراد باشد (میرمحمدی، ۱۴۰۲/۵/۱۵). انتظار عمومی به معنای بروز آمادگی ذهنی برای تغییرات جهانی تحت تأثیر رسانه‌های اجتماعی و بالا رفتن آگاهی در طبقات مختلف اجتماعی مردم در اقصی نقاط جهان می‌باشد که به عنوان یک کاتالیزور می‌توان آن را در نظر گرفت.

۸. چالش‌های جهانی



چالش‌های جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، تغییرات جمعیتی، شیوع بیماری‌های عفونی و کمبود منابع انرژی تأثیرات قابل توجهی بر نظم جهانی آینده خواهد داشت. چالش‌ها ماهیت فراملی دارند و نیازمند راه حل‌های نوآورانه و مشارکتی هستند (Glenn, ۲۰۱۳). روندهای سیستمی گسترده‌تر، مانند جهانی شدن و تغییرات آب و هوایی، به این معنی است که چالش‌های امروز و فردا جهانی خواهند بود - و نیازمند پاسخ‌های جهانی هستند (Perry World House, 2022). تغییرات آب و هوایی که «مادر همه کالاهای عمومی

جهانی» نامیده می‌شود و شاید به مهم‌ترین چالش برای حکمرانی جهانی در کنار اجتناب از درگیری‌های مسلحانه بزرگ و جلوگیری از همه‌گیری (می‌تواند بسیار بدتر از COVID-۱۹ باشد) تبدیل شده است (Dervish and Bhattacharya, ۲۰۲۲:۴۰). افکار عمومی می‌تواند یک چالش جهانی باشد زیرا تأثیرات آن بر جوامع بسیار گسترده است. حتی به نحوی که علیه حکومت‌ها شورش ایجاد کند، روحیه‌ها را تضعیف کند و وضعیت موجود

را دگرگون سازد. از طرف دیگر، دستکاری سیستماتیک افکار عمومی در فضای مجازی نیز چالش‌های خود را به همراه دارد و می‌تواند به وسیله ابزارهای رسانه‌ای تأثیرات قابل توجهی داشته باشد.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۱. پویایی و توزیع جهانی قدرت

این موضوع می‌تواند به ظهور بازیگران جهانی جدید، افول قدرت‌های مستقر، تغییر در هنجارها و نهادهای بین‌المللی و تغییر در موازنه نفوذ جهانی منجر شود. تأثیر متقابل این عوامل در سال‌های آینده به شکل دهی چشم‌انداز بین‌المللی ادامه خواهد داد. با این وجود، این موضوع در تحولات نظم جهانی در ادوار مختلف وجود داشته و به نوعی تداوم رویه قبلی است، لکن با سرعت، گستره و ماهیتی متفاوت. در طول تاریخ، پویایی و توزیع جهانی قدرت در نوسان دائمی بوده است. با تکامل قدرت‌های مستقر و نفوذ قدرت‌های نوظهور، موازنه قدرت تغییر می‌کند و منجر به تغییرات بالقوه در اتحادها، همکاری‌ها و ساختارهای حکمرانی جهانی می‌شود. قدرت‌های سنتی مانند ایالات متحده و کشورهای اروپایی با چالش‌های جدیدی از سوی بازیگران نوظهور روبرو هستند. رشد اقتصادی، پیشرفت‌های فناوری و تغییر چشم‌اندازهای ژئوپلیتیکی، در حال تغییر شکل پویایی جهانی قدرت است. قدرت‌های اقتصادی، مانند ایالات متحده، چین و اتحادیه اروپا، نقش مهمی در شکل دادن به امور جهانی دارند. این غول‌های اقتصادی نه تنها دارای ثروت و منابع عظیمی هستند، بلکه از طریق توانایی خود در هدایت تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری و نوآوری‌های فناورانه نیز تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، وابستگی‌ها و پیوستگی‌های متقابل اقتصادی می‌تواند بر توزیع قدرت نیز تأثیر بگذارد.

۲. قدرت‌های نوظهور

همانطور که جهان ما به تکامل خود ادامه می‌دهد و پویایی قدرت جهانی تغییر می‌کند، این قدرت‌های نوظهور مانند چین، هند، برزیل و دیگران نقش مهمی در شکل دادن به نحوه عملکرد جهان ایفا می‌کنند. آنها با رشد سریع اقتصادی و افزایش نفوذ سیاسی خود، چارچوب‌های بین‌المللی سنتی تحت سلطه قدرت‌های قدیمی مانند ایالات متحده و اروپا را به چالش می‌کشند. به نظر می‌رسد که ظهور آنها نه تنها به یک سیستم چندقطبی منجر شود، بلکه رویکردهای جدیدی را برای حکمرانی جهانی، اقتصاد و ترتیبات امنیتی به وجود بیاورد. این قدرت‌های نوظهور اغلب از نهادهای فراگیرتری حمایت می‌کنند که طیف متنوعی از خواسته‌ها و منافع را منعکس می‌کنند. آنها جنبه‌هایی مانند اهداف توسعه پایدار، رژیم‌ها و اتحادهای منطقه‌ای و یا مکانیسم‌های مالی جایگزین را تقویت می‌کنند که اولویت‌های

خاص آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین، به جرات می‌توان گفت که این قدرت‌های در حال ظهور تأثیر عمیقی بر تغییر شکل نظم جهانی آینده با تأکید بر همکاری و تنوع به جای یکجانبه‌گرایی دارند.

۳. فناوری‌های جدید

در عصر پیشرفت سریع فناوری، تأثیر فناوری‌های جدید بر شکل‌گیری نظم پیش‌روی جهانی را نمی‌توان دست کم گرفت. ظهور هوش مصنوعی، تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ و محاسبات کوانتومی، شروع به تغییر شکل دینامیک قدرت جهانی کرده است. این فناوری‌ها پتانسیل ایجاد تحول در صنایع، اقتصاد و حتی ساختارهای حاکمیتی را دارند. به عنوان مثال، اتوماسیون مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند منجر به جابجایی مشاغل زیادی در بخش‌های مختلف شود، بازارهای کار سنتی را مختل کند. علاوه بر این، با تلاش کشورها برای تسلط بر فضای سایبری و به راه انداختن جنگ دیجیتالی پنهان، پیشرفت‌ها در امنیت سایبری بسیار حیاتی خواهد شد و توانایی جمع‌آوری حجم وسیعی از داده‌ها، نگرانی‌های امنیتی در حوزه‌های ملی و فردی را ایجاد خواهد کرد. در نتیجه به گفته جوزف نای، کشورهایی که از توان تفکیک و تحلیل بالای اطلاعات و داده برخوردار باشند، قدرتمند خواهند بود.

۴. اهمیت یافتن مناطق

مناطق در جهان در طول تاریخ نقش بسزایی در شکل دادن به نظم جهانی داشت‌اند. کنترل مناطق استراتژیک، مانند مناطقی که دارای منابع ارزشمند، موقعیت جغرافیایی مناسب یا اهمیت نظامی قابل توجهی هستند، در ایجاد مزایای ژئوپلیتیکی و برقراری توازن قوا در میان کشورها تأثیر گذار بوده‌اند. در تداوم این روند، لکن با تغییر در ماهیت این حرکت، تغییرات فناورانه، به هم پیوستگی جهانی، تکثیر قدرت و افول هژمونی آمریکا، بر نوع نگاه به ژئوپلیتیک، اقتصاد، امنیت، فرهنگ و محیط زیست تأثیر گذار خواهد بود و می‌تواند نحوه تعامل و همکاری کشورها را در صحنه جهانی شکل دهد. از آنجایی که اهمیت نسبی مناطق در طول زمان تغییر می‌کند، می‌تواند منجر به تغییر در موازنه جهانی قدرت و قوانین حاکم بر روابط بین‌الملل شود. توجه به آسیا و سیاست‌های آسیایی کشورهای بزرگ، رقابت آمریکا و روسیه در قفقاز جنوبی و اکراین و اتخاذ سیاست‌های مستقلانه‌تر از سوی قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان در برخی مسائل مانند نفت در برابر آمریکا از نشانه‌های این موضوع می‌توان تلقی نمود. انقلاب در فناوری‌های جدید و پویایی و توزیع جهانی قدرت در عصر حاضر تأثیر محوری بر سایر عوامل داشته و به دلیل تکثیر قدرت و شکل‌گیری زنجیره‌های تأمین کالاهای عمومی و از طرفی کاهش امکان استیلای قدرت مطلق، منجر به تقویت جایگاه مناطق در جهان خواهد شد.

۵. رقابت چین و آمریکا

این موضوع، توازن قدرت جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نهادها و هنجارهای بین‌المللی را شکل می‌دهد، بر روابط تجاری و اقتصادی و پویایی مناطق تأثیر می‌گذارد و پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت، فناوری و توسعه مناطق دارد. چگونگی تکامل و مدیریت این رقابت، پیامدهای مهمی برای شکل و ویژگی نظم جهانی در حال ظهور خواهد داشت. با این وجود، این رقابت می‌تواند باعث افزایش تنش‌ها و تعارضات بین دو کشور و ایجاد تغییراتی در نظام بین‌المللی و اقتصاد جهانی شود.

۶. افول هژمونی آمریکا

هژمونی آمریکا و تداوم آن در دهه‌های گذشته به ویژه پس از جنگ دوم جهانی، نقش اساسی و محوری در شکل‌دهی به نظم جهانی برپایه نهادهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی داشته است و لذا تغییر در این هژمونی منجر به تقویت نقش قدرت‌های نوظهور، کاهش اعتماد به نظام بین‌المللی موجود، افزایش رقابت و تنش‌های بین‌المللی، ایجاد شکاف‌ها و ناهمسانی‌های اجتماعی و اقتصادی، تغییرات ژئوپلیتیک، افزایش نقش سایر کنشگران در نهادهای چندجانبه و پویایی و اهمیت یافتن مناطق شده و تأثیر خود را بر شکل‌دهی نظم پیش‌روی جهانی خواهد گذاشت که البته نشانه‌های آن در حال حاضر نیز قابل رصد و استنتاج می‌باشد. با این وجود، سرعت این افول چندان بالا نخواهد بود و یا منجر به فروپاشی آمریکا نخواهد شد و تا مدت‌ها آمریکا قدرتمندترین کشور باقی خواهد ماند. افولی که از آن صحبت می‌شود عمدتاً تحت تأثیر چالش‌ها و شکاف‌های داخلی آمریکا، کاهش امکان به‌کارگیری زور توسط آمریکا و کاهش نسبی رشد و قدرت اقتصادی آمریکا در مقایسه با قدرت‌های نوظهور رقیب تصور می‌شود.

۷. بازیگران غیر دولتی

از لحاظ تاریخی، چشم‌انداز سیاسی جهانی تحت تسلط دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی بوده است. با این حال، با ظهور جهانی شدن و پیشرفت در فناوری، بازیگران غیردولتی مانند شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های تروریستی به عنوان بازیگران قدرتمندی ظاهر شده‌اند که نظم جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ظهور بازیگران غیردولتی منجر به یک چشم‌انداز پیچیده‌تر حکمرانی جهانی شده است. سازمان‌های سنتی بین‌دولتی، مانند سازمان ملل متحد، به شکل روزافزون با بازیگران غیردولتی برای رسیدگی به چالش‌های جهانی درگیر هستند. بازیگران غیردولتی، به ویژه در زمینه فناوری، پتانسیل شکل دادن به نظم جهانی آینده را دارند. یکی از تأثیرات مهم بازیگران غیردولتی در نظم جهانی آینده،

توانایی آنها در به چالش کشیدن و تضعیف حاکمیت دولت است. شرکت‌های چند ملیتی با دسترسی جهانی خود، قدرت اقتصادی قابل توجهی را اعمال می‌کنند که می‌تواند دولت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و سیاست‌ها را شکل دهد. به همین ترتیب، سازمان‌های غیردولتی به طور قابل توجهی شکاف‌ها را در ارائه خدمات ضروری پر کرده‌اند و گاهی اوقات از نهادهای دولتی ناکارآمد عبور می‌کنند. با انجام این کار، این بازیگران غیردولتی به انتشار قدرت به دور از نظم سنتی دولت محور کمک می‌کنند. یکی دیگر از تأثیرات بازیگران غیردولتی بر نظم جهانی آینده، پتانسیل آنها برای ایجاد درگیری و برهم زدن ثبات است. گروه‌های مسلح غیردولتی، مانند سازمان‌های تروریستی، در عملیات‌های خود قوی‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. آنها می‌توانند با درگیر شدن در تاکتیک‌های جنگ نامتقارن و استفاده از فناوری، قدرت دولتی را به چالش بکشند و باعث بی‌ثباتی و ناامنی شوند. علاوه بر این، مجرمان سایبری و هکرها تهدیدهای مهمی برای دولت‌ها و کسب و کارها هستند، زیرا می‌توانند زیرساخت‌های حیاتی را مختل کنند. اتکای زیاد به فناوری در زندگی روزمره، آسیب‌پذیری در برابر این فعالیت‌های بازیگران غیردولتی را تشدید و تأثیر آنها را بر نظم جهانی آینده بیشتر برجسته می‌کند. با این وجود، بازیگران غیردولتی همیشه به عنوان نیروهای منفی که دولت‌ها را به چالش می‌کشند، نباید مورد تحلیل واقع شوند. بسیاری از بازیگران غیردولتی با دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی همکاری می‌کنند تا به مسائل مهم جهانی رسیدگی کنند. آنها اغلب تخصص، منابع و ارتباطات مردمی ارزشمندی را به ارمغان می‌آورند که ممکن است دولت‌ها فاقد آن باشند. در زمینه‌هایی مانند تغییرات آب و هوایی، مهاجرت و ریشه‌کنی فقر، بازیگران غیردولتی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌دهی سیاست‌ها، هدایت نوآوری و تسریع در تغییر ایفا کنند. همکاری با بازیگران غیردولتی برای دولت‌ها برای انطباق با چالش‌های در حال تحول جهانی و طراحی راه‌حل‌های مؤثر، حیاتی است. در نتیجه، بازیگران غیردولتی نقشی اساسی در شکل دادن به نظم جهانی آینده دارند. مشارکت روزافزون آنها با دولت‌ها و نهادهای بین‌دولتی، نظام بین‌المللی را متحول کرده و آن را پیچیده‌تر و چندوجهی کرده است. بازیگران دولتی و غیردولتی برای پیشبرد اهداف خود، نیاز به همکاری دارند. با درک این پیچیدگی‌ها، می‌توانیم درک دقیق‌تری از سیستم بین‌المللی در حال تحول و پیامدهای آن برای آینده به دست آوریم.

۸. چالش‌های جهانی

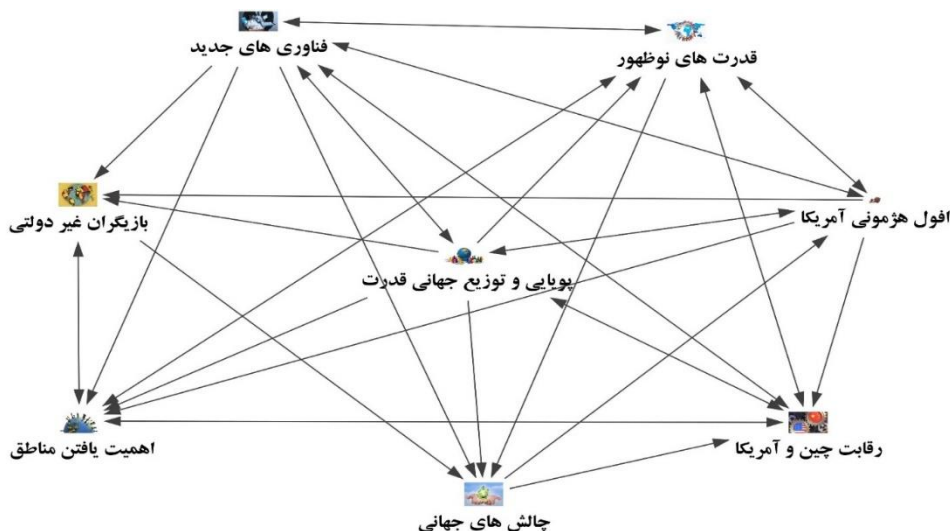
چالش‌های مذکور را می‌توان پدیده‌ای نوین در بین عوامل مؤثر در ایجاد نظم جهانی دانست. چه اینکه در دوره‌های گذشته، این موارد چندان در محاسبات سیاست‌مداران و اندیشمندان

جایی نداشته است. لذا بر اساس یافته‌های تحقیق، انتظار می‌رود چالش‌های جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، تغییرات جمعیتی، شیوع بیماری‌های عفونی و کمبود منابع انرژی، تأثیرات قابل توجهی بر نظم جهانی آینده داشته باشند. تغییرات اقلیمی و جمعیتی می‌تواند توزیع منابع و مراکز جمعیتی را تغییر داده و منجر به تغییر در پویایی قدرت جهانی شود. افزایش سطح آب دریاها، رویدادهای آب و هوایی و کمبود منابع می‌تواند تنش‌های ژئوپلیتیکی ایجاد کند. زیرا کشورها برای منابع محدود رقابت می‌کنند و با مهاجرت‌های دسته جمعی مقابله می‌کنند. تغییرات آب و هوایی و کمبود منابع انرژی می‌تواند اقتصاد را مختل کند و منجر به پیامدهای اقتصادی قابل توجهی شود. افزایش فراوانی و شدت رویدادهای آب و هوایی می‌تواند به زیرساخت‌ها آسیب برساند، زنجیره تامین را مختل کند و بر بهره‌وری کشاورزی تأثیر منفی بگذارد. انتقال انرژی به سمت منابع تجدیدپذیر ممکن است منجر به تغییرات اقتصادی شود که بر صنایع و کشورهای وابسته به انرژی تأثیر بگذارد. تغییرات آب و هوایی، همراه با سایر چالش‌های جهانی، ممکن است منجر به افزایش جابجایی مردم به دلیل تخریب محیط زیست، بلایای طبیعی یا درگیری‌ها شود. این می‌تواند منجر به بروز بحران‌های انسانی، تضعیف منابع و ظهور تنش‌های اجتماعی در داخل و بین کشورها شود. سازگاری با تغییرات آب و هوایی و کاهش اثرات منفی آن، نیازمند همکاری جهانی جمعی است. از آنجایی که کشورها با تأثیرات تغییرات آب و هوایی دست و پنجه نرم می‌کنند، نیاز روزافزونی به توافق‌نامه‌های بین‌المللی و نوآوری‌های فناورانه وجود خواهد داشت. با این حال، اختلاف نظر بر سر مسئولیت‌ها، منابع و منافع رقیب نیز ممکن است منجر به درگیری شود. از طرفی، گسترش بیماری‌های عفونی تهدیدی مستمر برای امنیت بهداشت جهانی است. جهانی شدن روزافزون، شهرنشینی و تغییرات آب و هوایی می‌تواند به ظهور و گسترش بیماری‌ها کمک کند. همه‌گیری‌هایی مانند COVID-19 ارتباط متقابل جهان و نیاز به همکاری بین‌المللی در رسیدگی به چالش‌های بهداشت عمومی را نشان داده‌اند.

نیاز به پرداختن به چالش‌های جهانی می‌تواند نوآوری‌های فناورانه را هدایت کند. پیشرفت در انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی پایدار، مراقبت‌های بهداشتی و حمل و نقل می‌تواند به کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی، بهبود مدیریت منابع و افزایش انعطاف‌پذیری کمک کند. با این حال، دسترسی به این فناوری‌ها و کنترل آن‌ها می‌تواند پویایی قدرت را در میان کشورها شکل دهد. پرداختن به این چالش‌های جهانی نیازمند همکاری بین‌المللی، دیپلماسی و توسعه راه حل‌های نوآورانه است. نظم جهانی آینده احتمالاً با نحوه همکاری کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای مقابله با این چالش‌ها و ایجاد یک سیستم

جهانی پایدارتر و انعطاف پذیرتر شکل خواهد گرفت. با توجه به موارد فوق الذکر، شکل زیر بیان‌گر رابطه بین پیشران‌ها را نشان می‌دهد:

گراف شماره ۱۰



نتیجه‌گیری

نظم جهانی آینده موضوعی است که بسیار مورد توجه و گمانه زنی است، زیرا پتانسیل شکل دادن به چشم‌انداز جهانی را به روش‌های قابل توجهی دارد. نظم آینده تحت تأثیر عوامل مختلفی است که در این پژوهش سعی شد مهمترین آنها مورد شناسایی قرار گیرد. پویایی و توزیع جهانی قدرت، فناوری‌های جدید و همچنین ظهور قدرت‌های نوظهور، در تاریخ روابط بین‌الملل به عنوان محرک‌ها و پیشران‌های شکل‌گیری نظم در جهان از قدمت زیادی برخوردار هستند. درک این عوامل و تأثیر متقابل آنها برای درک مسیر حرکت جهان، بسیار مهم است. با کنکاش در پویایی قدرت جهانی، بررسی ساختارهای موجود قدرت و تجزیه و تحلیل ظهور قدرت‌های نوظهور، می‌توانیم نتایجی در مورد چگونگی تأثیر این عوامل بر نظم آینده جهانی به دست آوریم. نقش اهمیت مناطق، رقابت چین و آمریکا، افول هژمونی آمریکا، بازیگران غیر دولتی و نهایتاً چالش‌های جهانی را به ترتیب به عنوان کاتالیزورهای تغییر در نظم جهانی می‌توان در نظر گرفت و عمدتاً موارد اخیر تحت تأثیر مستقیم پویایی و توزیع جهانی قدرت، فناوری‌های جدید و قدرت‌های نوظهور قرار دارند که به شکل درهم تنیده تأثیر مستقیم برهمدیگر خواهند داشت. وقتی از نظم جهانی آینده صحبت می‌شود، عمدتاً به نحوه توزیع قدرت و نفوذ آن در مقیاس جهانی و چگونگی شکل‌دهی این توزیع به پویایی بین‌ملتها اشاره دارد. ترکیبی از عوامل مختلف مانند رشد اقتصادی، پیشرفت‌های فناورانه، ثبات سیاسی و استراتژی‌های دیپلماتیک، همگی در این امر نقش دارند.

لذا یکی از عوامل کلیدی که باید در نظر گرفت، تعامل پویا بین قدرت‌های مستقر و قدرت‌های نوظهور است. همانطور که اقتصادهای نوظهور مانند هند و برزیل به رشد خود ادامه می‌دهند، از نظر اقتصادی بیشتر با قدرت‌های مستقر در ارتباط هستند.

پیشنهاد

روندهای اقتصاد جهانی، مانند پویایی و توزیع جهانی قدرت، قدرت‌های نوظهور و پیشرفت‌های فناوری، به شدت بر موقعیت آینده ایران در نظم جهانی تأثیر گذار خواهد بود. لذا بر اساس نتایج حاصله از این پژوهش، پیشنهادات زیر برای سیاست‌گذاران عرصه کلان کشور توصیه می‌گردد.

۱. تنوع بخشیدن به اقتصاد، به ویژه فراتر از وابستگی به نفت و اجرای سیاست‌هایی که نوآوری، سرمایه‌گذاری خارجی و تنوع تجاری را تشویق می‌کند، می‌تواند رقابت‌پذیری ایران را افزایش داده و جایگاه اقتصادی آن را تقویت کند.

۲. تقویت یکپارچگی و همکاری اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند فرصت‌هایی را برای ایران فراهم کند تا نفوذ خود را در مقیاس جهانی تقویت نماید. استراتژی‌های سیاسی، ابتکارات دیپلماتیک و توانایی ایران در جهت‌یابی روابط پیچیده بین‌المللی، روابط ایران با بازیگران بزرگ جهانی مانند آمریکا، چین و قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه بر موقعیت آن در نظم جهانی در حال تحول شکل خواهد داد.

۳. از آنجایی که جهان به طور فزاینده‌ای به هم متصل شده و به فناوری متکی می‌شود، کشورهایی که نمی‌توانند این روند را حفظ کنند، در خطر عقب ماندن و به حاشیه رانده شدن هستند. این امر به‌ویژه به بخش‌هایی مانند امنیت سایبری مرتبط است که می‌بایست ایران برای محافظت در برابر تهدیدات احتمالی سرمایه‌گذاری کند.

۴. با پیشرفت هوش مصنوعی، ممکن است ایران با چالش‌هایی در زمینه اشتغال و ایجاد نابرابری‌های اقتصادی مواجه شود. این امر مستلزم اقدامات پیشگیرانه از سوی دولت برای اطمینان از انتقال آرام است، مانند سرمایه‌گذاری در آموزش و ارتقاء مهارت برای ایجاد تسلط در نیروی کار به مهارت‌های آینده. لذا، توانایی ایران برای انطباق با پیشرفت‌های فناوری و مهار آن، نقش مهمی در موقعیت آن در نظم جهانی آینده خواهد داشت.

۵. ایران با مشارکت فعال در همکاری‌ها و ابتکارات منطقه‌ای می‌تواند نظم جهانی آینده را به نفع خود شکل دهد. ایران برای تقویت موقعیت خود نیاز به اتخاذ رویکرد همکاری بیشتر با تأکید بر دیپلماسی و ارائه راه حل‌های مسالمت‌آمیز برای درگیری‌ها و مشارکت فعال در گفتگوهای منطقه‌ای و ارائه تصویری از خود به عنوان یک بازیگر مسئول دارد تا موقعیت خود را در نظم جهانی آینده را بهبود بخشد.

۶. ایران می‌تواند با سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر، اجرای استراتژی‌های مدیریت آب و ترویج کشاورزی پایدار، اثرات منفی تغییرات اقلیمی را کاهش داده و خود را به عنوان یک کنشگر برجسته در نظارت بر محیط‌زیست مطرح نماید.

منابع

الف- فارسی

- اسماعیلی، علی. (۱۳۹۹). *روابط بین‌الملل در ایران: از تکرار روایت‌ها تا ضرورت تفکر پارادایمیک*. تهران: ابرار.
- آهویی، مهدی، و حسینی، دیاکو. (۱۳۹۵). افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاستگذاری. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی* (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۶(۲۰)، ۵۱-۶۶.
- پیری، هادی مراد و رمضانی تکلیمی، داود. (۱۴۰۱). افول هژمونی آمریکا از دیدگاه متفکرین غربی با تأکید بر نظریات فوکویاما و هانتینگتون. *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۶(۳)، ۹۳-۷۱.
- تویسرکانی، مجتبی. (۱۳۹۷). *مطالعه رابطه درون‌گرایی/برون‌گرایی با ظهور و افول قدرت‌های بزرگ*. رساله دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- جلالی، رضا (۱۳۸۸). «چستی و مصادیق نظریه ثبات هژمونیک»، *دانشنامه*، شماره ۷۳، پاییز.
- جوکار، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). روسیه و چین رقابت دوستانه اهداف راهبردی. *مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی*، (۱۵ اردیبهشت)، قابل دسترسی در: <https://www.ipis.ir/portal/subjectview/۶۳۷۰۰۸>
- جهانگیری، سعید و ساعی، احمد. (۱۳۹۸). واکاوی رویکرد دستیابی چین به جایگاه قدرت اقتصاد جهانی. *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی و سوم، شماره ۱، بهار.
- چوگری، نازلی. (۱۳۹۹). *سیاست سایبری*، ترجمه محمد ناصر طاهری‌زاده و قاسم ترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خانی، محمدحسن، و مسرور، محمد. (۱۳۹۶). ظهور چین: چالش‌های ایالات متحده آمریکا در مواجهه با قدرت روزافزون چین در روابط بین‌الملل. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۲۴)، ۱۸۳-۱۵۹.
- خداخواه آذر، سمیه. (۱۴۰۲). عصر وب و تاثیر آن بر تحول مفهوم کنشگری، گزارش نظری، شماره ۲۶. *مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور*، گروه مطالعات آینده پژوهی راهبردی.
- خسروی، علیرضا و اسدی، علی‌اکبر. (۱۴۰۲). *نظم بین‌المللی و سناریوهای آینده*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دانش‌نیا، فرهاد. (۱۳۹۴). «سازهانگاری الکساندر ونت: امتناع‌گذار از بن‌بست‌های تیوریک روابط بین‌الملل و دستیابی به راهی میانه»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال ششم، شماره دوم، تابستان.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۳). «جهانی شدن و نظام بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۵، شماره ۱۴، بهار.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۲). «تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل»، *پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۵، شماره ۸، تابستان.
- رکابیان، رشید و دلاور، حسین. (۱۴۰۱). وضعیت کنونی نظم بین‌المللی، روندهای آینده و پیامد آن برای جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۹(۱)، ۲۶۹-۲۴۷.

ساعی، احمد. (۱۳۸۸). «نقد و ارزیابی نظریه نظام جهانی: موافقان و منتقدان»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ۵، پاییز.

سجادپور، سیدکاظم. (۱۴۰۲). مصاحبه نویسنده در تاریخ ۱۴۰۲/۶/۷.

میرمحمدی، مهدی. (۱۴۰۲). مصاحبه نویسنده در تاریخ ۱۴۰۲/۵/۱۵.

سخنرانی مقام معظم رهبری مورخه ۱۳۹۳/۶/۱۳. دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/roadmap-content?id=27369>

سعیدی، روح‌الامین. (۱۴۰۰). «تحلیل چبستی، چرایی و چگونگی افول آمریکا از منظر تئوری چرخه‌های بلند»، *مطالعات راهبردی آمریکا*، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۹-۵.

سیمبر، رضا و قربانی شیخ نشین، ارسلان. (۱۳۹۰). عناصر و روندهای مؤثر بر نظام بین‌الملل. *پژوهش سیاست نظری* (پژوهش علوم سیاسی)، - (۹)، ۱۲۵-۱۰۳.

شریعتی‌نیا، محسن و مسعودی، حیدرعلی. (۱۳۹۸). چین و نظم‌های بین‌الملل. *سیاست جهانی*، ۷-۳۲، (۳)۸.

طالبی، حسین و آسیابان، امید. (۱۳۹۹). اقتصاد مقاومتی و اولویت بندی شرکای راهبردی ج.ا.ایران. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. ۱۰ (۴۱)، ۲۴۲-۲۲۱.

ظریف، محمدجواد و سجادپور، سیدکاظم و مولایی، عبداله. (۱۳۹۶). *دوران‌گذار روابط بین‌الملل در جهان پس‌اگرایی*. تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

عباسی خوشکار، امیر. (۱۳۹۸). *پیش‌قدمت در نظم‌های منطقه‌ای و راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای: مطالعه مورد راهبرد امنیت ملی اسرائیل در جنگ داخلی سوریه ۲۰۱۹-۲۰۱۲*، رساله دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

فلاحی، احسان و امیدی، علی. (۱۳۹۶). دامنه تغییر و تداوم سیاست خارجی توسعه‌گرایانه ی چین در دوران شی جین‌پینگ. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۹ (۱)، ۱۷۸-۱۴۷.

قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۷). گذار در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده-آشوبی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۵۷-۱۸۸.

قربانی، مژگان. (۱۳۹۹). جنگ تجاری آمریکا و چین: علل و پیامدهای آن. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی* (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۱۰ (۳۵)، ۱۵۴-۱۳۴.

قوام، عبدالعلی، فاطمی‌نژاد، احمد. (۱۳۸۷). مکتب انگلیسی به عنوان یک نظریه کثرت‌گرا: نبیین مفاهیم نظام بین‌الملل، جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی. *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۸، بهار و تابستان.

کمالی، یحیی. (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۴ (۲)، ۱۸۹-۲۰۸.

کوپچان، چارلز و وینجاموری، لسلی. (۱۴۰۲). *سامان‌دهی جهان: نظم بین‌المللی در قرن ۲۱*. مترجم: پریسا کریمی‌نیا. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۸). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.

منصوری مقدم، محمد. (۱۳۹۳). تغییر نظام بین‌الملل اقتدارگرایان به قاعده‌مند؛ نقدی سازه‌انگارانه بر دیدگاه کنت والتز. *سیاست*، دوره ۴۴، بهار، شماره یک.

موسوی شفائی، مسعود. (۱۴۰۰). *نظم بین‌الملل: ارکان، تحول، آینده*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

میرترابی، سید سعید و کشوریان آزاد، محسن. (۱۳۹۹). تأثیر خیزش چین بر نظم تجاری بین‌المللی (۲۰۲۰-۲۰۰۱). *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۰(۲)، ۱۵۴-۱۲۳.

میرفخرایی، حسن. (۱۳۹۲). آنا‌رشی و نظم از منظر نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی*، سال سوم، شماره ۸، صص ۸-۲۸.

میرفخرائی، سید حسن. (۱۳۹۵). تأثیر اختلافات کشورهای عضو اتحادیه اروپا بر جایگاه این اتحادیه در نظام جهانی. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۱۲(۴۳)، ۱۶۷-۱۵۲.

نای، جوزف اس. (۱۳۹۲). *آینده قدرت*. ترجمه احمد عزیزی. ۱۳۹۲. تهران: نشر نی.

نقدی، جعفر. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی-امنیتی. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. ۱۲(۴۹) (زمستان ۱۴۰۱)، ۵۴-۲۹.

ب- انگلیسی

Acharya, Amitav. (2017 : September 08). After Liberal Hegemony: The Advent of a Multiplex World Order. *Ethics & International Affairs*. Volume 31 , Issue 3 , Fall 2017 , pp. 271 - 285 .Cambridge University Press. DOI: <https://doi.org/10.1017/S089267941700020X>

Berridge, G. R. and James, Alan (2003). *A Dictionary of Diplomacy*, Hampshire, UK: Palgrave Macmillan, ۲۰۰۳, p. ۱۴۸.

BETZ ,HANS GEORG. (2021, NOVEMBER 03). Uncertain Times in a World Without American Hegemony. *Fair Observer*. https://www.fairobserver.com/region/north_america/hans-georg-betz-international-order-great-powers-american-hegemony-china-news-12512/

Bhattacharya, Amar and Dervish, Kemal. (2022). Multilateralism and climate change: Providing a global public good and following an ethical imperative. Essays on a 21st century multilateralism that works for all. *Brookings*. <https://www.brookings.edu/articles/essays-on-a-21st-century-multilateralism-that-works-for-all/>

Bordachev, Timofei. (2022). Factors Influencing the World Order's Structure. *Institut Montaigne*. <https://www.institutmontaigne.org/en/expressions/factors-influencing-world-orders-structure>

Fukuyama, Francis. (2021, Nov 8). Francis Fukuyama on the end of American hegemony. *The World Ahead*. <https://www.economist.com/the-world-ahead/2021/11/08/francis-fukuyama-on-the-end-of-american-hegemony>

Glenn, Jerome C.. (2013). 15 Global Challenges for the Next Decades. *OpenMind*. <https://www.bbvaopenmind.com/en/articles/15-global-challenges-for-the-next-decades/>

Gould, Harry. (2017). *The Art of world making: Nicholas Onuf and His Critics*.

- London: Routledge.
- Grinin, Leonid & Ilyin, Ilya and Andreev ,Alexey.(2016). Global History and FutureWorld Order. ***Globalistics and Globalization Studies***. 93-110
- Haass, Richard N. & Kupchan, Charles A..(۲۰۲۱, Mars 23). The New Concert of Powers:How to Prevent Catastrophe and Promote Stability in a Multipolar World. ***Foreign Affairs***.
<https://www.foreignaffairs.com/articles/world/2021-03-23/new-concert-powers>
- Hass, Richard N.,(2008),The Age of Nonpolarity-What Will Follow U.S. Dominance? , ***Foreign Affairs***, May/June.
- He, K. (2018). ***Role conceptions, order transition and institutional balancing in the AsiaPacific: a newb theoretical framework***. Australian Journal of International Affairs
- Kastner, Aril.(2021, Apr 7). 7 views on how technology will shape geopolitics. ***WORLD ECONOMIC FORUM***.
 Retrieved from <https://www.weforum.org/agenda/2021/04/seven-business-leaders-on-how-technology-will-shape-geopolitics/>
- Marchetti, Raffaele.(2019, Avril 9). The Role of Non-state Actors in the Future of Global Governance and International Security. ***THE HORIZON BEYOND***.
<https://behorizon.org/the-role-of-non-state-actors-in-the-future-of-global-governance-and-international-security/>
- Mearsheimer, John J (2019). Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order, ***International Security***, Vol. 43, No. 4 ,pp. 7-50.
- Nye, Jr, Joseph S...(2020,Jul 6). After the Liberal International Order. ***Project-Syndicate***. Retrieved from <https://www.project-syndicate.org/commentary/biden-must-replace-liberal-international-order-by-joseph-s-nye-2020-07>
- Nye, Jr., Joseph S. (2019,January) "The Rise and Fall of American Hegemony From Wilson to Trump." ***International Affairs***. 95.1: 63-80.
<https://doi.org/10.1093/ia/iiy212>
- Onuf, Nicholas Greenwood .(2013). ***Making sense, Making Worlds: Constructivism in social theory and international Relations***, London: Routledge.
- Perry World House.(2022).The Future of the Global Order: Power, Technology, and Governance. ***UNIVERSITY OF PENNSYLVANIA***.
<https://global.upenn.edu/perryworldhouse/future-global-order-power-technology-and-governance>
- Waltz, Kenneth .(1979). ***Theory of International Politics***. New York: Random House.
- Wijninga, Peter & Oosterveld, Willem Theo & Galdiga, Jan Hendrik and Marten , Philipp . (2014). 4 STATE AND NON-STATE ACTORS: BEYOND THE DICHOTOMY. ***STRATEGIC MONITOR***

2014:FOUR STRATEGIC CHALLENGES, Jan. 1, 2014, pp. 139-162
(23 pages)

<https://www.jstor.org/stable/resrep12608.8>

Wohlforth, William c, (2008), Realism and Foreign Policy, in Foreign policy: Theories, Actors, Cases, Edited by Steve Ssmith, Amelia Hadfield and Tim Dunne, **Oxford University Press**.

COPYRIGHTS

2025 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>